

## کمک‌های خارجی سوئد به تانزانیا و پیامدهایش

بسیاری بر این باور اند که کمک‌های خارجی راه حل مشکل فقر در سراسر گیتی است. اما آیا اقدام کشورهای غنی در سهیم کردن دیگران در ثروت خود امری معقول است؟

بسیاری بر این باور اند که کمک‌های خارجی راه حل مشکل فقر در سراسر گیتی است. اما آیا اقدام کشورهای غنی در سهیم کردن دیگران در ثروت خود امری معقول است؟

تاریخ به ما آموخته است که کمک‌های خارجی بیش از آن که زمینه‌ی توسعه را فراهم کنند، موجب گسترش وابستگی بوده اند. با پایان عصر استعمار، برخی از مستعمرات ضعیف و فقیر سابق، همچون کره جنوبی، تایوان، و سنگاپور موفق شدند با پیاده کردن نظام بازار آزاد، استانداردهای زندگی خود را به طرز چشمگیری ارتقا دهند. امروزه، ما شاهد تحول خیره‌کننده‌ی فقر به توانگری در اقتصادهای سوسیالیستی سابق هستیم که آغوش خود را به روی سرمایه‌داری گشودند. این پدیده را می‌توان به وضوح در اروپای شرقی، چین، هند، و ویتنام به چشم دید.

در همین اوضاع و احوال، کشورهای بسیاری هم در جهان وجود دارند که نتوانسته اند بر مشکل فقر فائق آیند. بیشتر کشورهای آفریقایی و بسیاری از کشورهای امریکای لاتین و نیز بسیاری در قاره‌ی آسیا همچنان به شدت با مسأله‌ی فقر دست به گریبان اند. خصوصیتی که اغلب در بین این کشورها مشترک است، وابستگی عمیق آنها به کمک‌های خارجی است. از زمان پایان عصر استعمار، پول‌های هنگفتی صرف برنامه‌های کمک‌های خارجی به کشورهای فقیر شده است. گر چه هدف این برنامه‌ها کمک به کشورهای فقیر بوده، اما روی هم رفته، اثر آنها اسیر کردن جهان سوم در دام وابستگی بوده است.

تانزانیا یکی از بهترین مثال‌هایی است که می‌توان در آن چگونگی صرف کمک‌های خارجی را در پروژه‌های بی‌فایده‌ی دولتی به خوبی مشاهده کرد. طی سال‌های متمادی، سوئد، از طریق کمک‌های خارجی خود به تانزانیا، گسترش یک نظام سوسیالیستی را در این کشور آفریقایی تشویق کرده است. پیامد این اقدام گسترش یک دیوان‌سالاری فاسد دولتی بوده که خود مانعی در برابر توسعه است.

بنا به نوشته‌ی مجله‌ی سوئدی **Aftonbladet**، طی چند سال گذشته، سوئد ۴/۵ میلیارد دلار به شکل کمک‌های خارجی به تانزانیا پرداخت کرده است. اما این پول‌ها کجا رفته اند؟

گزارشگرانی که **Aftonbladet** به موفیندی در تانزانیا اعزام کرده بود نمونه‌ای از شکست‌های مفتضحانه‌ی برنامه‌ی کمک‌های خارجی دولت خود را مشاهده کردند. در آنجا کارخانه‌ای برای تولید کاغذ

بر پا شده بود که نیمی از سرمایه‌ی ۲۳۰ میلیون دلاری آن را دولت سوئد تامین کرده بود. گزارشگران در این کارخانه با تجهیزات چند میلیون دلاری‌ای برخورد کردند که هیچ گاه مورد استفاده قرار گرفته نشده اند.

هنگامی که کارخانه ساخته می‌شد، آژانس توسعه‌ی سوئد، SIDA، و بانک جهانی تصور می‌کردند که ایده‌ی ساخت آن یک ایده‌ی فوق‌العاده است. با ساخت آن کارخانه، تانزانیا می‌توانست در تولید کاغذ خودکفا شود و کاغذهای تولیدشده را برای تهیه‌ی کتب درسی مورد استفاده قرار دهد. آیا استفاده‌ی بهتری هم از پول‌های مالیات‌دهندگان غربی قابل تصور بود؟

اما همچون دیگر پروژه‌های دولتی، تنها صفتی که نمی‌شد برای این کارخانه استفاده کرد، صفت کارآمدی بود. هم دولت سوسیالیست تانزانیا و هم آژانس‌های توسعه‌ی غربی نقش مهمی در ایجاد موانع اداری داشته اند. ویجای چوداری، مدیر هندی‌الاصل کنونی کارخانه، توضیح می‌دهد که برای تصمیم‌گیری در خصوص عوض کردن یک لامپ لازم بود که ۸ ساعت جلسه برگزار شود. برنامه‌ریزی پول‌های کلان در دست دیوانسالاران دولتی و مشاوران آژانس‌های خارجی بود.

هنگامی که گزارشگران Aftonbladet می‌پرسند که چرا راه منتهی به کارخانه آسفالت نشده است، چوداری توضیح می‌دهد که اتفاقاً قراردادی با یک شرکت فرانسوی برای ساخت این جاده بسته شده بود و کارمندان آن شرکت حتی یک هواپیما هم در اختیار داشتند که در کنار کارخانه فرود می‌آمد و کارمندان از آن برای رفتن به دارالسلام برای شرکت در مهمانی‌های پایتخت استفاده می‌کردند. اما آنها کم‌کاری می‌کردند و سرانجام جاده را نیز تکمیل نکردند.

کارخانه‌ی موفیندی در طی پنج سالی که عملیاتی بوده، هیچگاه بیش از ۳۰ درصد ظرفیت‌اش فعال نبوده است. از آنجا که منفعت شخصی‌ای در اداره‌ی این کارخانه وجود نداشته، کسی هم مسئولیت عدم موفقیت آن را بر عهده نمی‌گیرد. تا زمانی که جریان کمک‌های خارجی برقرار بود، کارخانه هم، لاقلاً به لحاظ نظری، مشغول به کار بود. اما همین که SIDA پرداخت کمک‌های مالی را متوقف کرد، تولید هم متوقف شد.

سرانجام شرکتی در کنیا تصمیم به خرید این کارخانه گرفت. منفعت شخصی موفق شد که جریان تولید را در این کارخانه دوباره به راه اندازد. قیمتی که این شرکت خصوصی برای خرید این کارخانه پرداخته است، خود مدرکی مستند از شکست کمک‌های توسعه‌ای است. کارخانه‌ای که با ۲۳۰ میلیون دلار کمک خارجی راه‌اندازی شده بود، به یک دلار فروخته شد.